

✦ Editor's Note

Enhancing the Credibility of Management Research: Balancing Theory and Practice in Addressing Global Grand Challenges

Received: 23 Nov 2024
Accepted: 30 Nov 2024

✦ Bahman Hajjipour^{1*}

1. Faculty Member, Department of Business Management, Faculty of Management and Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (Corresponding Author)
Email: b-hajjipour@sbu.ac.ir

doi:10.48308/jbmp.2024.105115

ABSTRACT:

This paper explores contemporary challenges in management from a postmodern perspective, focusing on the gap between academic research and the practical needs of businesses. Andrew Pettigrew's theories on postmodern management, along with Ken Starkey and Paula Maden's suggestions for enhancing interaction between researchers and managers, are presented as solutions to strengthen the credibility of management research. Additionally, the paper emphasizes the importance of interdisciplinary and innovative research to tackle complex social, environmental, and economic issues, particularly in light of significant global challenges. Ultimately, this research proposes a multi-pronged framework for management research that includes responsiveness to stakeholder needs, engagement with global challenges, and innovation in research methodologies.

Keywords: Postmodern management, Grand challenges, Applied knowledge, Interdisciplinary research, Industry-academia collaboration.



تقویت اعتبار تحقیقات مدیریت: تعادل میان نظریه و عمل در مواجهه با چالش‌های بزرگ جهانی

بهمن حاجی‌پور^۱*

تاریخ دریافت: ۰۳ آذر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۰ آذر ۱۴۰۳

چکیده:

این مقاله به بررسی چالش‌های معاصر در حوزه مدیریت از دیدگاه دانش پسامدرن و فاصله میان تحقیقات دانشگاهی و نیازهای عملی کسب‌وکارها می‌پردازد. نظریات اندرو پتیگرو درباره مدیریت پسامدرن و پیشنهادات کن استارکی و پائولا مدن برای افزایش تعامل میان محققان و مدیران به‌عنوان راهکارهایی برای تقویت اعتبار تحقیقات مدیریت معرفی می‌شود. همچنین، با تأکید بر چالش‌های بزرگ جهانی، این مقاله بر ضرورت پژوهش‌های بین‌رشته‌ای و نوآورانه برای پاسخگویی به مسائل پیچیده اجتماعی، محیطی و اقتصادی تأکید می‌کند. در نهایت، این پژوهش چارچوبی برای تحقیقات مدیریت ارائه می‌دهد که شامل پاسخگویی به نیازهای ذی‌نفعان، تعامل با چالش‌های جهانی و نوآوری در روش‌های تحقیق است.

کلمات کلیدی: مدیریت پسامدرن، چالش‌های بزرگ، دانش کاربردی، پژوهش‌های بین‌رشته‌ای، تعامل دانشگاه و صنعت.

۱. عضو هیئت علمی گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).
ایمیل: b-hajipour@sbu.ac.ir

doi:10.48308/jbmp.2024.105115

مقدمه

پژوهشگران علم مدیریت مانند حوزه‌های علمی دیگر در تحقیقات خود در صدد ایجاد دانش جدید هستند. اما این دانش با چه استانداردهایی باید ارزیابی شود؟ بدیهی است که انتظار می‌رود این دانش دارای روش‌شناسی مستحکمی باشد، اما فراتر از آن چه؟ با توجه به اینکه مدیریت یک علم اجتماعی کاربردی است، سه معیار دیگر را می‌توان در نظر گرفت:

۱. نوآوری: دانش خلق شده باید فزاینده و چارچوب شکن باشد و نباید بیان پیچیده و غیرضروری موضوعی باشد که یک مدیر باهوش به خوبی آنرا می‌داند.
۲. مهم بودن: دانش خلق شده باید مرتبط با یک مشکل و چالش‌های آن باشد، بطوریکه تعداد قابل توجهی از مدیران با آن سروکار داشته باشند و به دنبال پاسخی برای آن باشند.
۳. قابل استفاده بودن: این دانش باید در عمل قابل استفاده باشد و تبعات آن بر عملکرد روشن باشد. باید مزایای قابل لمسی داشته باشد و به راحتی در موقعیت‌های واقعی قابل اعمال باشد.

اگر بپذیریم که این استانداردها برای ارزیابی نتایج پژوهشگران مدیریت مناسب هستند، سوال این است که آیا پژوهش‌های انجام شده تا کنون واجد این ویژگی‌ها بوده‌اند؟ اگر پاسخ منفی است؛ که به احتمال زیاد هست؛ پرسش بعد به طور طبیعی این است که: پژوهشگران مدیریت چه کاری می‌توانند انجام دهند تا تأثیر کارهای خود را از آنچه که هست بیشتر افزایش دهند؟

نارضایتی‌ها از ناموثر بودن پژوهش‌های مدیریت

اندازه‌گیری تأثیر تحقیقات مدیریت در عمل بسیار دشوار است، اما شاید توجه به موارد زیر گویای مطالب بسیاری باشد. تنها ۵ درصد از اعضای آکادمی مدیریت مدیران حرفه‌ای هستند. (در ایالات متحده حدود ۲۷ میلیون نفر در پست‌های مدیریتی و کارشناسی اداری فعالیت می‌کنند. از این ۲۷ میلیون نفر، تنها ۹۰۰ نفر عضو آکادمی مدیریت هستند.) یعنی به ازای هر ۱۰۰،۰۰۰ مدیر و کارشناس، تنها ۳ نفر عضو آکادمی مدیریت هستند - که به هیچ وجه بیانگر اعتماد این جمعیت به یافته‌های پژوهشگران مدیریت نیست. همین شرایط در انجمن مدیریت استراتژیک (SMS) نیز وجود دارد. با اینکه هدف انجمن "ترکیب تجارب مدیران حرفه‌ای با دانش اندیشمندان دانشگاهی" است، اما تنها ۱۶۰ نفر از ۲،۹۰۰ عضو آن خود را به عنوان مدیران اجرایی یا مشاوران تجاری معرفی کرده‌اند. هرچند این اطلاعات برای سایر مناطق جهان چندان در دسترس نیست ولی احتمالاً در ایران و سایر نقاط جهان اوضاع بهتر از این نیست!

اگر نگاهی به برخی از دانش‌های کاربردی مانند علوم پزشکی داشته باشیم شرایط دیگری حکمفرماست. در ترکیب اعضا آکادمی‌ها و انجمن‌های حرفه‌ای حوزه‌های پزشکی مشاهده می‌کنیم که توازن بین دانشگاهیان و حرفه‌ای‌ها در این نهادها برقرار است. در اکثر حوزه‌های پزشکی تفکیک میان "مجلات علمی" و "مجلات

عملی" بسیار کم است. این مجلات برای هر دو گروه پژوهشگران و کنش‌گران حرفه‌ای حوزه‌های پزشکی مجلات مطلوبی هستند. تقریباً هر مطلبی که در این مجلات منتشر می‌شود دارای کاربردهای بالینی است. به طور کلی، مقالات مختصر و روشن نوشته شده‌اند، و این یعنی تولید دانشی که کاربردی و قابل دسترس است.

متأسفانه این وضعیت در علم مدیریت صادق نیست. یک مقاله را به صورت تصادفی از یکی از مجلات برتر مدیریت انتخاب کرده و خود را در جایگاه یک مدیر حرفه‌ای جدی که به دنبال بینش‌های جدید و مفید است قرار دهید. احتمالاً خواندن مقاله برای شما کاری طاقت‌فرسا و پیچیده خواهد بود. البته نویسندگان مقالات مقصر نیستند، آن‌ها فقط خود را با قوانین و دستورالعمل‌های مجلات دانشگاهی سازگار می‌کنند. به هر حال نمی‌توان انتظار داشت که مدیران حرفه‌ای برای پیدا کردن چند حقیقت ساده راهی چنین پر پیچ و خم را انتخاب کنند.

یک شاخص دیگر برای شناسایی میزان تأثیر تحقیقات مدیریت، سهم رشته از منابع تخصیص یافته به تحقیقات (گرت یا پژوهانه) است. طبق گزارش بنیاد ملی علوم ایالات متحده در سال ۲۰۱۸، شرکت‌های آمریکایی ۴.۷ میلیارد دلار برای تحقیقات دانشگاهی هزینه کردند. از این مقدار، سهم تحقیقات کسب و کار و مدیریت تنها ۱ درصد بوده است. بخش عمده این منابع به تحقیقات در علوم زیستی (بیش از ۲ میلیارد دلار) و مهندسی (بیش از ۱ میلیارد دلار) اختصاص یافت. زیرشاخه‌های مختلفی از جمله کشاورزی، اخترفیزیک، مهندسی عمران، زمین‌شناسی، مطالعات اقیانوس‌شناسی و روانشناسی، نسبت به رشته مدیریت سهم بهتری دارند. در علوم بهداشتی و مهندسی، بیش از ۵۰ درصد منابع از دولت تأمین و در کل، تقریباً ۸۰ درصد آن از منابع غیردانشگاهی به دست آمده است. به نظر می‌رسد پژوهشگران در این حوزه‌ها توانسته‌اند مراکز تأمین هزینه‌های تحقیقات را قانع کنند که کارهای پژوهشی آنها عواقب اقتصادی و اجتماعی مثبتی را به همراه خواهد داشت و دوباره باید گفت احتمالاً در ایران و سایر نقاط جهان اوضاع از ایالات متحده اگر بدتر نباشد بهتر نیست!

حال اجازه دهید یک سوال چالشی را مطرح کنیم: اگر بر فرض مدت ۱۰ سال تحقیقات در دانشکده‌های کسب و کار متوقف شود، چه اتفاقی برای اقتصاد و جامعه ما خواهد افتاد؟ چه تعداد از مدیران حرفه‌ای متوجه این توقف خواهند شد؟ آیا بهره‌وری سازمان‌ها کاهش خواهد یافت؟ آیا به اقتصاد جهانی ضربه‌ای وارد خواهد شد؟ یا هیچکس توجهی نخواهد کرد؟ احتمالاً دنیای تجارت به سختی متوجه می‌شود. چون محققان متعددی از جمله (راینز، بارتونک و دفت، ۲۰۰۱؛ مورمن و لاولر، ۲۰۱۲؛ ففر و فونگ، ۲۰۰۲) نگرانی‌های خود را در مورد تأثیر کم تحقیقات مدیریت ابراز کرده‌اند.

به لطف تحقیقات نیک بلوم و دیگران، ما می‌دانیم که "مدیریت خوب" بازدهی را افزایش می‌دهد (بلوم و ون رینن، ۲۰۰۷)، شکی در این مورد نیست. اما سوال این است که برای دستیابی به آخرین پیشرفت‌های مدیریت، تحقیقات دانشگاهی چقدر ضرورت دارند؟ آیا اساتید دانشگاهی می‌توانند بر اساس شواهد، برای دولت‌ها و شرکت‌ها دلیل قانع‌کننده‌ای برای سرمایه‌گذاری مثلاً یک میلیارد دلار در سال در تحقیقات مدیریت ارائه دهند؟ آیا می‌توانیم با اطمینان قول بازگشت سرمایه را بدهیم؟

ممکن است برخی بگویند که تأثیر، به عنوان معیاری که توسط مدیران یا سازمان‌های تامین منابع مالی مطرح می‌شوند در واقع اهمیتی ندارد. اگر بتوانید منابع مالی لازم برای پشتیبانی از تحقیقات و انتشارات خود را تأمین کنید نباید نگران ارتباط نتایج با عملکرد باشید. همانطور که هنرمندان کار خود را می‌کنند و نگران شدت تأثیر آثار خود نیستند و همچنان به کار خود ادامه می‌دهند. همچنین فیزیکدانان نظری نیز نگران سوال‌های معمولی مانند بازده سرمایه‌گذاری نیستند. اما ما هنرمند نیستیم که در عالم خیال سیر کنیم. ما فیزیکدان نیستیم که رازهای پنهان جهان را کشف کنیم. ما مدیر هستیم. وظیفه ما ارتقای کارآمدی سازمان‌های انسانی است یا به عبارت دیگر کار ما "مدیریت" است.

روی کاغذ، محققان مدیریت به رابطه بین نظریه و عمل اهمیت می‌دهند. به عنوان مثال، بیانیه ماموریت آکادمی مدیریت را در نظر بگیرید: "رسالت آکادمی ارتقاء حرفه مدیریت است". این بیان اگر چه خوب به نظر می‌رسد، اما کلمه "حرفه" گمراه کننده است. مدیریت یک حرفه نیست، زیرا برای حرفه مدیریت هیچ مدرک تحصیلی الزامی نیست، هیچ آموزش مداوم اجباری، هیچ نهاد استاندارد، و هیچ بیمه ای برای قصور و تقصیر وجود ندارد. در مقابل، مامایی یک حرفه است. اما جالب اینجاست که در بیانیه ماموریت دانشکده زنان و زایمان هیچ اشاره ای به متخصص زنان و زایمان نشده است. در عوض، می‌گوید هدفش «تغییر عملکرد مراقبت‌های بهداشتی زنان» است.

در مجموع چنین به نظر می‌رسد پژوهشگران مدیریت نتوانسته‌اند مراکز تأمین اعتبار تحقیقات را قانع کنند که کار آنها دستاوردهای اقتصادی و اجتماعی مثبتی را به همراه خواهد داشت، زیرا منابع خارج از دانشگاه کمتر از یک سوم منابع تحقیقات مدیریت را تأمین می‌کنند. حل این موضوع نیازمند تحولات نهادی، فرهنگی و سازمانی در تلاقی کسب‌وکار و دانشگاه‌ها است تا نیازهای در حال تغییر افراد و شرکت‌ها را درک کرده و اشکال جدیدی از سازماندهی را برای تسهیل جریان سریع و مؤثر دانش و افراد به سمت استفاده بهینه از آنها فراهم کند.

همان‌طور که در سرتاسر قرن بیستم، دانشمندان علوم اجتماعی درباره سؤال «دانش برای چه هدفی؟» بحث کرده‌اند، با توجه به تحولات محیط کسب‌وکار در قرن ۲۱، باید این سؤال مجدداً برجسته شده و مورد بررسی قرار گیرد. در این مقاله، به‌طور خاص به سؤال «دانش مدیریت برای چه هدفی تولید شود؟» خواهیم پرداخت و به دنبال یافتن پاسخی برای آن خواهیم بود. پاسخ به این سؤال، نقش مهمی در انتخاب موضوعات پژوهش و تخصیص بودجه‌های مربوطه خواهد داشت. البته، پاسخ به چنین سؤالی و تعیین دقیق چنین هدفی ساده نیست، زیرا دانشگاه‌ها و کسب‌وکارها نهادهای بسیار متفاوتی از نظر روش‌های تولید و مدیریت دانش و از نظر انگیزه‌ها و دلایل مختلف آنها برای مشارکت و استفاده از تحقیقات هستند.

چرا پرداختن به تحقیقات مدیریت اهمیت دارد؟

مهمترین اختراع بشر طی ۱۵۰ سال گذشته چه بوده است؟ چه چیزهایی هستند که به سختی می‌توانید زندگی بدون آنها را تصور کنید؟ ممکن است به برق، آنتی بیوتیک‌ها، خودروها، یخچال، کامپیوتر، اینترنت و مهمتر از همه گوشی هوشمند خود فکر کنید. البته که این چیزها ضروری هستند، ولی مهمترین اختراع بشر در طول ۱۵۰

سال گذشته فناوری مدیریت سازمان های صنعتی در مقیاس بزرگ بوده است. هیچ یک از آن اختراعات عملی نبودند مگر اینکه مدیریت مدرنی داشته باشیم که به ما امکان دهد که با راندمان فزاینده، چیزهایی با پیچیدگی های زیاد تولید کنیم. تعریف ما از مدیریت ساده است: "ساختارها، روش‌ها و ابزارهایی که برای سازماندهی و توزیع منابع استفاده می‌شوند تا بطور کارا و اثر بخش اهداف مورد نظر تحقق یابند."

پیشرفت‌های حوزه مدیریت باعث شد که بتوانیم علم را تجاری سازی کنیم و خودروها، لوازم خانگی، سفرهای هوایی تجاری و دستگاه‌های دیجیتال را برای میلیاردها مصرف‌کننده قابل دسترس کنیم. در نظر بگیرید: در ۱۵۰ سال گذشته، میزان خروجی یک ساعت کار در انگلستان ۱۱ برابر شده است، در ایالات متحده ۲۰ برابر و در ژاپن بیش از ۶۰ برابر شده است.

ویلیام باثومول (۱۹۸۶) اقتصاددان گزارش کرده است که ۹۰٪ از بهبود بهره‌وری از سال ۱۸۷۰ به بعد از طریق نوآوری در ساختارهای سازمانی رخ داده است. بسیاری از این نوآوری‌ها، مانند بودجه‌بندی سرمایه، سازماندهی، مدیریت برند، برنامه‌ریزی استراتژیک، مدیریت کیفیت جامع و تولید چابک در سازمان‌ها ایجاد شده‌اند. ممکن است کسی استدلال کند که مدیریت یک فناوری بالغ است و جای کمی برای نوآوری اساسی باقی مانده است. اگر منظور از "مدیریت" ساختارها و فرآیندهای از بالا به پایین، بشدت طبقه‌بندی‌شده و قوانین نهادینه شده‌ای است که هنوز در اکثر سازمان‌ها در سراسر جهان غالب هستند، این ارزیابی درست است. در این صورت ممکن است به مرزهای «مدیریت بر مبنای بوروکراسی» به عنوان یک فناوری اجتماعی رسیده باشیم، ولی هرگز به «پایان مدیریت» نرسیده ایم، بوروکراسی انتهای مدیریت نیست. طرح الگوی نوینی از مدیریت به تفکر و اقدام جسورانه نیاز دارد.

استراتژی‌هایی برای افزایش تأثیر تحقیقات مدیریت

محققان مدیریت برای دستیابی به افزایش فوق‌العاده تأثیر تحقیقات خود چه کاری می‌توانند انجام دهند؟ یکی از استراتژی‌های مهم برای افزایش اعتبار تحقیقات مدیریت، تقویت پیوند بین نظریه و عمل است که تحت عنوان دیدگاه خرد از آن یاد می‌کنیم. این رویکرد به پژوهشگران این امکان را می‌دهد که یافته‌های نظری خود را در زمینه‌های عملی و واقعی به کار ببرند و به‌علاوه، مشکلات و چالش‌های واقعی را به‌عنوان مبنای پژوهش‌های خود قرار دهند. این ارتباط نزدیک می‌تواند منجر به توسعه مدل‌های مدیریتی شود که به‌طور خاص به نیازهای سازمان‌ها و صنایع پاسخ دهند.

استراتژی دیگری که می‌تواند به افزایش اعتبار تحقیقات مدیریت کمک کند، ورود به مسائل کلان جهانی و برقراری پیوند نزدیک‌تر با رشته‌های علوم اجتماعی است. این دیدگاه را می‌توان تحت عنوان دیدگاه کلان یاد کرد. در دنیای امروز، چالش‌های مدیریتی به‌طور فزاینده‌ای تحت تأثیر مسائل اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی قرار دارند. پژوهشگران می‌توانند با استفاده از نظریات علوم اجتماعی، مانند نظریه‌های سیستم‌های پیچیده یا نظریه‌های اجتماعی-اقتصادی، به بررسی عمیق‌تری از این مسائل بپردازند و راه‌حل‌های مدیریتی مؤثرتری ارائه دهند. این رویکرد نه تنها به غنای محتوای پژوهش‌های مدیریت کمک می‌کند، بلکه به پژوهشگران این امکان را می‌دهد تا با بهره‌گیری از ابزارها و روش‌های تحلیلی علوم اجتماعی، به درک بهتری از دینامیک‌های اجتماعی و

اقتصادی بپردازند که بر عملکرد سازمان‌ها تأثیر می‌گذارد. این نوع تحقیقات می‌تواند به ایجاد راه‌حل‌های جامع‌تری منجر شود که به‌طور هم‌زمان به نیازهای سازمان‌ها و چالش‌های اجتماعی پاسخ دهد.

دیدگاه خرد: تعادل میان دانش نظری و کاربردی

برای بررسی شیوه تقویت پیوند بین نظریه و عمل دیدگاه کن استارکی و پائولا مدن (۲۰۰۱) را بررسی می‌کنیم. آن‌ها بر این باورند که برطرف کردن شکاف میان دانش نظری و کاربردی مستلزم آن است که ذینفعان مختلف درگیر در تحقیقات مدیریتی، به‌طور خلاقانه‌ای به مسائل مربوط به محتوای تحقیق، فرآیند تحقیق و انتشار نتایج تحقیق بپردازند. چکیده‌ی موارد اصلی مطرح‌شده در این دیدگاه به شرح زیر است:

کن استارکی و پائولا مدن انتقاد از عدم همسویی پژوهش‌ها با نیازهای مدیریتی و عملیاتی را عمدتاً به این دلیل می‌دانند که بسیاری از پژوهش‌های آکادمیک در رشته مدیریت، به‌جای پرداختن به مسائل کاربردی و نیازهای واقعی کسب‌وکارها، بر تئوری‌پردازی‌های انتزاعی و موضوعات نظری تمرکز دارند. این تمرکز موجب می‌شود که نتایج این پژوهش‌ها عملاً در عمل کاربرد چندانی نداشته باشند و نتوانند چالش‌های روزمره مدیران و سازمان‌ها را حل کنند.

از سوی دیگر، ارتباطات کم‌رنگ بین دانشگاه‌ها و کسب‌وکارها باعث می‌شود که نیازهای مدیریتی و عملکردی کمتر در پژوهش‌های آکادمیک منعکس شوند. این کمبود تعامل میان دانشگاه و صنعت به نوعی موجب فاصله‌ای بین دانش تئوریک و دانش عملی می‌شود. در این میان، بسیاری از صاحب‌نظران به اهمیت توسعه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای و پروژه‌های مشترک میان دانشگاه‌ها و کسب‌وکارها تأکید دارند. به‌گونه‌ای که دانشگاه‌ها بیشتر به چالش‌های واقعی صنایع و سازمان‌ها بپردازند و از طریق شبکه‌های دانش و همکاری نزدیک‌تر، تأثیرگذاری بیشتری بر مسائل واقعی و کاربردی داشته باشند. این رویکرد می‌تواند به ایجاد تعادل میان دانش نظری و کاربردی کمک کند و به پژوهشگران این امکان را می‌دهد که با درک بهتر نیازهای عملیاتی، نتایج تحقیقات خود را به‌طور مؤثرتری در عمل به کار گیرند.

مسئله ماهیت تحقیقات مدیریت

بنابراین، مسئله ماهیت تحقیقات مدیریت پرسش‌های اساسی را در مورد نقش اجتماعی دانشگاه و انتظارات کسب‌وکار از تحقیق و آموزش دانشگاهی مطرح می‌کند. کسب‌وکارها به‌طور فزاینده‌ای به کاربردی بودن تحقیقات اهمیت می‌دهند، در حالی که پژوهشگران مدیریت در دانشگاه‌ها به دیدگاه متفاوتی از دانش پایبند هستند. پژوهشگران مدیریت متهم به انجام تحقیقات نامربوط با عمل مدیریتی هستند. برخی از مشکلات فعلی در ایجاد ارتباط موفق بین دانشگاهیان و مدیران کسب‌وکار عبارتند از:

- بسیاری از موضوعات تحقیقاتی به موضوعات کلیدی کسب‌وکار مربوط نیستند.
- نیاز کسب‌وکارها تجویز بهترین روش‌ها و توصیه‌های عملی به جای تحلیل‌های نظری صرف است.
- نبود آگاهی کافی مدیران از نتایج تحقیقات دانشگاهی.

- نبود روش‌های سیستماتیک و مؤثر برای انتقال یافته‌های پژوهشگران مدیریت.

این مسائل به‌خوبی در گفتگویی که بین جیمز مارچ از دانشگاه استنفورد و جان رید از سیتی‌گروپ در کنفرانس سالانه آکادمی مدیریت آمریکا در سال ۱۹۹۹ صورت گرفت، مطرح شده است. مارچ از آنچه او "جستجوی نادرست برای مرتبط بودن به جای دانش" نامید، انتقاد کرد و استدلال کرد که دنبال کردن تحقیقات دانشگاهی که به خلق دانش کمک می‌کند، مهم‌تر است. جیمز مارچ که بیش از هر دانشمندی بر تفکر ما درباره ماهیت سازمان و تکامل مدیریت به‌عنوان یک رشته تأثیر گذاشته است، در کنفرانس سالانه آکادمی مدیریت آمریکا در سال ۱۹۹۹ گفت: "نقش اصلی دانشگاه شناسایی عوامل مؤثر بر عملکرد سازمانی یا توسعه فناوری مدیریتی نیست، بلکه مطرح کردن مسائل بنیادی و پیشبرد دانش در مورد فرآیندهای بنیادی مؤثر بر مدیریت است."

مارچ ادامه می‌دهد: "چه چیزی در تحقیقات مدیریتی برای عمل مدیریتی مهم است؟ آنچه اهمیت دارد ایده‌های اساسی هستند که گفتگو درباره مدیریت را شکل می‌دهند - ایده‌هایی درباره تضاد منافع، مشکلات مربوط به اطلاعات و انگیزه‌ها، عقلانیت محدود، اتصالات سست سازمانی، تله‌های پویای سازگاری، ظرفیت جذب و موارد مشابه... سودمندی اصلی تحقیقات مدیریتی در توسعه ایده‌های بنیادی نهفته است که ممکن است تفکر مدیریتی را شکل دهند، نه در حل مشکلات فوری مدیریتی." مارچ بر اهمیت دانش بنیادی تأکید می‌کند و جستجوی بی‌هدف برای کاربردی بودن را مورد انتقاد قرار می‌دهد. او معتقد است که پژوهش‌های بنیادی که به درک ما از فرآیندهای اساسی سازمانی کمک می‌کنند، ارزش واقعی پژوهش‌های مدیریتی را تشکیل می‌دهند.

در مقابل، رید به‌عنوان یک مدیر باتجربه، ضمن تأیید اهمیت پژوهش‌های بنیادی، بر نیاز به پژوهش‌هایی که به‌طور مستقیم به مسائل کسب‌وکار می‌پردازند تأکید می‌کند. او بر ارزش درک رفتار انسان و تأثیرات آن بر استراتژی‌های کسب‌وکار تأکید می‌کند و معتقد است که این نوع پژوهش می‌تواند مزیت رقابتی قابل‌توجهی ایجاد کند. برای او، تمرکز اصلی تحقیقات مدیریتی بر ادغام آن با عمل است و هدف آن نیاز خاص تجاری است: "ما اکنون در نقطه‌ای هستیم که برای موفقیت تجاری، درک اینکه انسان‌ها چه کسانی هستند، چگونه به فرصت‌ها پاسخ می‌دهند و چه رویایی در سر دارند، برای ما ضروری است."

این گفتگو بین پژوهشگر برجسته و مدیر برجسته، تنش‌هایی را که در ماهیت رابطه بین کسب‌وکار و دانشگاه وجود دارد و مسائل کلیدی که باید در بحث مرتبط بودن و خلق دانش در نظر گرفته شوند، نشان می‌دهد. این زمینه‌ای است که در آن شکاف مرتبط بودن در تحقیقات مدیریتی وجود دارد. بخش اصلی گزارش ما، در مورد چگونگی حرکت در این چشم‌انداز پیچیده به‌گونه‌ای که تحقیقات مرتبط‌تر را ممکن می‌سازد، بحث خواهد کرد.

رفع شکاف‌های ارتباطی بین مدیریت و جامعه

در دنیای امروز، ارتباط میان دانش تولیدشده در دانشگاه‌ها و نیازهای عملی سازمان‌ها و کسب‌وکارها یکی از مهم‌ترین چالش‌های مدیریت است. اهمیت هم‌راستایی دانش مدیریتی با نیازهای کاربران و سهامداران کلیدی است. به این معنا که دانش مدیریتی تنها در صورتی می‌تواند تحولات واقعی ایجاد کند که به‌طور مستقیم با نیازهای کسب‌وکارها و جامعه همسو باشد (Starkey & Madan, 2001).

مطالعات و پروژه‌های مشترک دانشگاه و صنعت

برای تقویت ارتباط بین دانشگاه‌ها و صنعت، پروژه‌های مشترک بسیاری در سراسر جهان اجرا شده‌اند. به‌عنوان مثال، دانشگاه کمبریج و شرکت رولزرویس در یک پروژه تحقیقاتی همکاری کردند که به تولید توربین‌های هوایی با کارایی بالاتر منجر شد. در این پروژه، محققان دانشگاهی با دانش و تخصص خود در حوزه آیرودینامیک و مواد پیشرفته، توانستند به شرکت رولزرویس در کاهش مصرف سوخت و افزایش بازدهی توربین‌ها کمک کنند. این نمونه، یکی از موفقیت‌های مهم تعامل میان دانشگاه و صنعت است که به حل مشکلات عملی و نیازهای واقعی یک شرکت صنعتی بزرگ کمک کرده است.

در حوزه فناوری نیز، پروژه‌های مشابهی دیده می‌شود. به‌عنوان مثال، دانشگاه MIT با همکاری شرکت IBM در زمینه توسعه فناوری‌های نوین هوش مصنوعی و یادگیری ماشین فعالیت‌های مشترکی انجام داده‌اند. این پروژه‌ها به IBM کمک کردند تا مدل‌های هوش مصنوعی پیچیده‌تری طراحی کند که در حل مسائل کسب‌وکارهای مختلف، از بهینه‌سازی زنجیره تأمین تا تحلیل داده‌های بازار، مورد استفاده قرار گیرد. این همکاری‌های علمی-صنعتی نشان می‌دهند که تعاملات مشترک دانشگاه و صنعت می‌توانند به تولید نوآوری‌های قابل توجهی در محیط‌های صنعتی منجر شوند و ارتباط بین دانش نظری و کاربردی را تقویت کنند.

در ایران نیز، همکاری‌های دانشگاه و صنعت برای ایجاد نوآوری و رفع نیازهای صنعتی به‌طور فزاینده‌ای در حال توسعه است. به‌عنوان مثال، دانشگاه‌ها با همکاری ایران خودرو در پروژه‌های مرتبط با صنعت خودروسازی، از جمله طراحی و بهینه‌سازی موتورهای کم‌مصرف و تکنولوژی‌های جدید خودروهای برقی، مشارکت داشته‌اند. این پروژه‌ها با هدف کاهش مصرف سوخت، افزایش بهره‌وری و ارتقای کیفیت محصولات داخلی در صنعت خودروسازی انجام شده‌اند و نقش مهمی در افزایش توانمندی‌های داخلی داشته‌اند.

همچنین، دانشگاه‌ها در همکاری با شرکت ملی نفت ایران در پروژه‌های اکتشاف و استخراج نفت و گاز فعالیت دارند. این همکاری‌ها شامل استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته زمین‌شناسی و اکتشافی است که به ارتقای دانش ملی در زمینه اکتشاف و استخراج منابع طبیعی کمک می‌کند و وابستگی به شرکت‌های خارجی را کاهش می‌دهد. برخی دانشگاه‌های صنعتی نیز در همکاری با صنایع دفاعی، در حوزه‌های مختلفی مانند ساخت مواد جدید، سیستم‌های راداری و تکنولوژی‌های پیشرفته الکترونیکی و مخابراتی فعالیت دارند. این همکاری‌ها به توسعه فناوری‌های بومی در صنایع دفاعی و افزایش امنیت ملی کمک کرده است. در حوزه پزشکی و داروسازی، دانشگاه‌های علوم پزشکی با شرکت‌های داروسازی بزرگ ایرانی همکاری‌های متعددی برای تولید داروهای جدید و انجام تحقیقات بالینی در زمینه بیماری‌های خاص دارند. این همکاری‌ها علاوه بر تولید داروهای بومی، باعث ارتقای استانداردهای بهداشتی و درمانی کشور نیز شده است. این مثال‌ها نشان می‌دهند که تعامل میان دانشگاه‌ها و صنعت در ایران، توانسته به رفع نیازهای خاص صنایع و توسعه دانش فنی بومی منجر شود و نمونه‌هایی از تأثیرات مثبت ارتباطات میان دانش نظری و کاربردی را در محیط صنعتی ایران به نمایش بگذارد.

چالش‌های پیاده‌سازی تعاملات دانشگاه و صنعت

اگرچه پروژه‌های مشترک میان دانشگاه‌ها و شرکت‌ها پتانسیل بالایی در رفع نیازهای صنعت دارند، اما پیاده‌سازی این نوع تعاملات با چالش‌های زیادی نیز مواجه است. یکی از چالش‌های اساسی، تفاوت‌های فرهنگی و ساختاری میان دانشگاه‌ها و شرکت‌ها است. دانشگاه‌ها معمولاً تمایل دارند بر پژوهش‌های بلندمدت و تولید دانش تمرکز کنند، در حالی که شرکت‌ها بیشتر به دنبال نتایج سریع و کاربردی هستند. این تفاوت در اهداف و انتظارات می‌تواند به ناسازگاری و تعارض در اجرای پروژه‌های مشترک منجر شود (Ankrah & Al-Tabbaa, 2015).

دیگر چالش اساسی در این زمینه، حفاظت از مالکیت فکری و مدیریت حقوق معنوی است. در پروژه‌های مشترک، هر دو طرف (دانشگاه و صنعت) به منابع و داده‌های محرمانه دسترسی دارند که حفاظت از این اطلاعات می‌تواند مانعی برای ایجاد تعاملات نزدیک‌تر باشد. برای غلبه بر این چالش، باید توافقات دقیقی در مورد حقوق مالکیت فکری و حفاظت از داده‌ها میان طرفین برقرار شود.

راهکارهای بهبود تعامل دانشگاه و صنعت

برای غلبه بر این چالش‌ها، می‌توان از راهکارهایی همچون طراحی چارچوب‌های مشترک برای مدیریت پروژه‌ها و ایجاد محیط‌های مشارکتی استفاده کرد. دانشگاه‌ها و شرکت‌ها می‌توانند با ایجاد کمیته‌های مشترک و تیم‌های هماهنگی، فعالیت‌ها و اهداف خود را به‌نحوی برنامه‌ریزی کنند که هم‌زمان به نیازهای علمی و عملی پاسخ دهد. همچنین، ایجاد پایگاه‌های تحقیقاتی مشترک یا مراکز نوآوری صنعتی که در آن‌ها دانشگاهیان و مدیران صنعتی به‌طور مستمر با هم کار کنند، می‌تواند به کاهش اختلافات و افزایش همگرایی کمک کند.

در نهایت، تعامل مستمر و گفتگوی باز میان پژوهشگران دانشگاهی و مدیران صنعتی، به افزایش شناخت متقابل و درک بهتر نیازهای هر دو طرف منجر می‌شود. استارکی و مدن پیشنهاد می‌کنند که برای پر کردن این شکاف، رویکردی مشارکتی میان دانشگاهیان و مدیران ضروری است؛ به‌نحوی که پژوهش‌های بنیادی و کاربردی بتوانند در تعامل با یکدیگر به توسعه دانش مدیریتی منجر شوند. به این ترتیب، دانشگاه‌ها و شرکت‌ها قادر خواهند بود که به‌طور مؤثرتری به چالش‌های واقعی کسب‌وکارها پاسخ دهند و در ایجاد نوآوری‌های کاربردی و پایدار موفق عمل کنند.

این رویکردها می‌توانند به تقویت ارتباطات میان دانشگاه و صنعت کمک کنند و به ایجاد یک اکوسیستم نوآوری مؤثر منجر شوند که هم به نفع دانشگاه‌ها و هم به نفع صنایع خواهد بود. با اجرای این استراتژی‌ها، می‌توان به بهبود تعاملات و همکاری‌های مؤثر میان دو حوزه علمی و صنعتی دست یافت و از این طریق به پیشرفت‌های قابل توجهی در زمینه‌های مختلف دست پیدا کرد.

نگاه کلان: مواجهه با چالش‌های بزرگ جهانی

در مقابل دیدگاه‌هایی که اثر بخشی تحقیقات مدیریت را در تقویت ارتباط میان صنعت و دانشگاه جستجو می‌کنند، پتیگرو معتقد است که ساختارهای سنتی دانش و روش‌های متعارف در مدیریت دیگر قادر به پاسخگویی به پیچیدگی‌های روزافزون محیط کسب‌وکار نیستند و به همین دلیل، مدیریت پسامدرن را به‌عنوان راهکاری برای عبور از این محدودیت‌ها معرفی می‌کند (Pettigrew, 2001). او تأکید دارد که مدیریت پسامدرن نیازمند

تعامل بیشتر میان محققان، دانشگاهیان و ذینفعان اجتماعی است تا بتوانند فرآیند خلق دانش را به گونه‌ای توسعه دهند که به‌طور مستقیم پاسخگوی مسائل واقعی و پیچیده جامعه باشد.

پتیگرو در تحقیق خود درباره مدیریت پس از مدرنیسم (۲۰۰۰) بیان می‌کند که اگر وظیفه روشنفکر در جامعه ایجاد تغییر باشد، جامعه پژوهشی مدیریت راه درازی برای تحقق پتانسیل خود در پیش دارد. وی بر این باور است که گزارش استارکی و مدن (۲۰۰۱) نقطه ورودی مفیدی برای بحث درباره نوع تحقیق مدیریت است، اما مسائل را بسیار محدود تعریف می‌کند و به‌طور خاص به دنبال راه‌حل‌های جزئی است. مسائل استراتژیک مهم در تحقیقات مدیریت به ظرفیت، قابلیت و ارائه اختصاص دارد. در عصر تولید دانش پسامدرنیسم، بستری پذیرنده‌تر برای مقابله با موانع متعدد تحقیق مدیریت ایجاد شده است. تحقیق بدون کیفیت علمی نه تنها رضایت‌بخش نیست، بلکه توانایی ما را در مقابله با مانع دوگانه کیفیت و ارتباط علمی تضعیف می‌کند.

پتیگرو بر اهمیت دیدگاه زمینه‌گرایانه و پویاتر از دانش تأکید می‌کند و بر این باور است که این دیدگاه باید از طریق تعامل پژوهشگران مدیریت با دانشمندان و کاربران اجتماعی و همکاری بین محققان مدیریت اروپایی و همکاران آن‌ها در ایالات متحده، و همچنین یک دوره آزمایش و یادگیری حمایت شود.

چارچوب زمینه‌گرا و پویای پتیگرو

موضوع	شرح
وظیفه روشنفکر در جامعه	جامعه پژوهشی مدیریت باید در جهت ایجاد تغییر و تحقق پتانسیل خود تلاش کند. گزارش استارکی و مدن (۲۰۰۱) نقطه شروعی مفید برای بحث است، اما مسائل را بسیار محدود تعریف کرده و تنها به دنبال راه‌حل‌های سطحی است.
چالش‌های استراتژیک	مسائل استراتژیک اصلی شامل ظرفیت، قابلیت و ارتباط است. در عصر پس از مدرنیسم، نیاز به رویکردی پویا و زمینه‌محور برای تحقیقات مدیریت احساس می‌شود.
نقش دوگانگی‌ها در پژوهش	دوگانگی‌ها در مدیریت (مانند حالت ۱ و حالت ۲) به‌عنوان ابزاری تحلیلی در نظر گرفته می‌شوند، اما گاه باعث ساده‌سازی بیش از حد مسائل می‌شوند و تحلیل‌های عملی کمتر ارائه می‌دهند.
پیوند مدیریت و علوم اجتماعی	ارتباط بین علوم اجتماعی و مدیریت به‌عنوان نیروی ضروری برای تولید دانش در مدیریت شناخته می‌شود. ایجاد برنامه‌های دکترا با تکیه بر علوم اجتماعی، برای تربیت پژوهشگران جوان و ارتقای کیفیت تحقیقات مهم است.
تعامل پژوهشگران و کاربران	تعامل میان پژوهشگران، کاربران و ذی‌نفعان برای تولید تحقیقاتی که کیفیت علمی بالا و ارتباط با جامعه دارد ضروری است.
کثرت‌گرایی آگاهانه	به دلیل نبود حقیقت بنیادین در علوم اجتماعی، تنها راه معقول برای پیشرفت، کثرت‌گرایی آگاهانه است که پژوهشگران را تشویق می‌کند به انواع مختلف تولید دانش و مکانیسم‌های تأثیر دست یابند.

تعامل بیشتر با جامعه تحقیقاتی ایالات متحده برای تقویت جایگاه تحقیقات مدیریت در اروپا ضروری است. انتشار در مجلات برتر ایالات متحده به افزایش تأثیر تحقیقات اروپایی کمک می‌کند.	ارتباط با پژوهشگران جهانی
پسامدرنیسم فرصت‌های جدیدی را برای پژوهش در علوم اجتماعی و مدیریت ایجاد کرده و بر اهمیت زمینه‌محوری در تولید دانش تأکید دارد.	پسامدرنیسم و تولید دانش
مشارکت ذینفعان، کاربران و تولیدکنندگان دانش در فرآیند پژوهش از اهمیت بالایی برخوردار است و می‌تواند موجب ارتقای کیفیت و تأثیرگذاری تحقیقات شود.	تعامل کاربر و ذینفعان

این چارچوب به‌وضوح نشان می‌دهد که چگونه مدیریت پسامدرن می‌تواند به حل چالش‌های بزرگ جهانی و ایجاد تعامل مؤثرتر بین دانشگاه و صنعت کمک کند. با توجه به این رویکرد، پژوهشگران و دانشگاهیان می‌توانند به‌طور مؤثرتری به نیازهای پیچیده جامعه پاسخ دهند و در راستای ایجاد تغییرات مثبت در محیط‌های کسب‌وکار و اجتماعی گام بردارند.

وظیفه روشنفکر در جامعه

وظیفه روشنفکر در جامعه، ایجاد تغییر است و پسامدرنیسم بستر مناسبی برای دستیابی به این هدف فراهم آورده است. اکنون زمان آن است که جامعه پژوهشی مدیریت با تلاش بیشتر در جهت افزایش ظرفیت‌ها و تعامل با سایر بخش‌های علوم اجتماعی و کاربران اجتماعی پیش برود و برای مواجهه با چالش‌ها و فرصت‌های جدید آماده باشد.

چالش‌ها و فرصت‌های استراتژیک در تحقیق مدیریت

چالش‌های جهانی شدن

جهانی‌شدن به معنای گسترش و تعمیق روابط اقتصادی، فرهنگی و تکنولوژیکی در سطح بین‌المللی است که فرصت‌ها و چالش‌های متعددی برای شرکت‌ها به همراه داشته است. برخی شرکت‌ها با گسترش فعالیت‌های خود در کشورهای مختلف، از جهانی‌شدن بهره‌برداری کرده‌اند؛ اما در عین حال با چالش‌هایی همچون تطابق با قوانین و فرهنگ‌های مختلف نیز مواجه شده‌اند. این تجربه نشان می‌دهد که سازمان‌ها برای موفقیت در عرصه جهانی باید دارای انعطاف‌پذیری و قابلیت تطبیق بالا باشند. شرکت‌های موفق توانسته‌اند با تغییر فرمول محصولات خود در بازارهای مختلف و ارائه محصولات محلی، نیازهای متنوع مشتریان در سراسر جهان را برآورده سازند. این نوع رویکرد تطبیقی، از ملزومات مدیریت مدرن است که به سازمان‌ها اجازه می‌دهد با تغییرات و تفاوت‌های فرهنگی، قانونی و اقتصادی بهتر کنار بیایند.

تأثیر دیجیتال‌سازی بر سازمان‌ها و اهمیت تحول دیجیتال

دیجیتال‌سازی یکی دیگر از روندهای مهم در دنیای معاصر است که محیط کاری و فرآیندهای سازمانی را به سرعت دگرگون کرده است. این تحول نه‌تنها به معنای به‌کارگیری فناوری‌های نوین در فرآیندهای کسب‌وکار

است، بلکه به بازنگری کامل مدل‌های کسب‌وکار و تغییر نگرش به مدیریت نیز نیاز دارد. به عنوان مثال، شرکت نتفلیکس با استفاده از فناوری‌های دیجیتال، مدل کسب‌وکار خود را از یک سرویس اجاره دی‌وی‌دی به یک پلتفرم استریمینگ محتوا تبدیل کرد. این تحول دیجیتال، به نتفلیکس امکان داد تا هم با تقاضای روزافزون برای محتواهای سفارشی‌سازی شده و هم با رقابت شدید در این صنعت مقابله کند.

ضرورت انعطاف‌پذیری و نوآوری در مدیریت

تجربیات موفق شرکت‌هایی مانند کوکاکولا و نتفلیکس، اهمیت انعطاف‌پذیری در مدیریت را به خوبی نشان می‌دهد. در شرایطی که تغییرات اجتماعی، اقتصادی و تکنولوژیکی به سرعت در حال وقوع هستند، سازمان‌ها باید قابلیت سازگاری و تطبیق با این تغییرات را داشته باشند. به این ترتیب، مدیریت مدرن نیازمند رویکردی پویاست که ضمن حفظ ارزش‌های سازمانی، به نوآوری و بازنگری مداوم فرآیندها و استراتژی‌ها نیز توجه دارد.

چشم‌انداز مدیریت پسامدرن در مواجهه با چالش‌های جدید

در این راستا، نظریات اندرو پتیگرو درباره مدیریت پسامدرن به عنوان یک پاسخ مناسب به این چالش‌ها مطرح شده‌اند. پتیگرو معتقد است که ساختارهای سنتی دانش و روش‌های متعارف در مدیریت دیگر قادر به پاسخگویی به پیچیدگی‌های روزافزون محیط کسب‌وکار نیستند و به همین دلیل، مدیریت پسامدرن را به عنوان راهکاری برای عبور از این محدودیت‌ها معرفی می‌کند (Pettigrew, 2001). او تأکید دارد که مدیریت پسامدرن نیازمند تعامل بیشتر میان محققان، دانشگاهیان و ذینفعان اجتماعی است تا بتوانند فرآیند خلق دانش را به گونه‌ای توسعه دهند که به طور مستقیم پاسخگوی مسائل واقعی و پیچیده جامعه باشد.

به طور کلی، روندهای جهانی شدن و دیجیتال‌سازی، همراه با چالش‌های ناشی از تغییرات سریع در محیط کسب‌وکار، اهمیت انعطاف‌پذیری و نوآوری در مدیریت را برجسته کرده‌اند. این موارد نشان می‌دهند که سازمان‌ها و مدیران باید به جای استفاده از رویکردهای سنتی، به سمت پذیرش تغییرات و اتخاذ راهکارهای نوآورانه حرکت کنند. نظریات مدیریت پسامدرن در این راستا به عنوان چارچوبی جدید و پویا ارائه می‌شوند که می‌توانند به سازمان‌ها در مواجهه با چالش‌های جدید یاری رسانند و در عین حال به گسترش دانش مدیریتی کمک کنند.

این رویکردها و نظریات به‌ویژه در دنیای امروز که با چالش‌های پیچیده و متنوعی روبرو هستیم، از اهمیت بالایی برخوردارند و می‌توانند به ایجاد تغییرات مثبت و پایدار در محیط‌های کسب‌وکار کمک کنند.

چالش‌های پژوهشی و دوگانگی‌ها

پتیگرو بر این عقیده است که دیدگاه کن استارکی و پائولا مدن با عنوان "پل زدن شکاف ارتباطی" به موضوعی طولانی‌مدت می‌پردازد که پاسخ ساده‌ای ندارد. در طول قرن بیستم، دانشمندان علوم اجتماعی درباره هدف دانش بحث کرده‌اند. این بحث‌ها، همگام با تغییر زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی و انتظارات از علم، همچنان ادامه دارد و نشان‌دهنده افزایش تنوع در علوم اجتماعی و طبیعی است. یکی از درس‌های تاریخ توسعه علوم اجتماعی این

است که روش واحدی برای تولید، انتشار و استفاده از دانش وجود ندارد. تغییرات در زمینه‌ها و محتوای دانش در علوم اجتماعی و مدیریت هر ادعای جهانی را که سودمندی مطلق داشته باشد، باطل می‌کند.

دوگانگی‌ها و تضادها در تولید دانش

در این زمینه، شکل تولید دانش حالت ۲ که گیبونز و همکاران (۱۹۹۴) معرفی کردند، پاسخی به شبهات معاصر درباره ارتباط تحقیقات مدیریت و علوم اجتماعی ارائه نمی‌دهد. نووتنی، اسکات و گیبونز (۲۰۰۱) در ادامه "تولید دانش جدید" تلاش کرده‌اند پیام خود را به شکلی گسترده‌تر و زمینه‌ای‌تر بازنویسی کنند و آن را در فرآیند تکامل همزمان با جامعه حالت ۲ قرار دهند.

یکی از چالش‌های مهم در بحث تولید دانش، دوگانگی‌ها و تضادها است. در علوم اجتماعی و مدیریت، استفاده از مفاهیم دوقطبی مثل دوگانگی، پارادوکس و تضاد رایج است. هرچند این مفاهیم به عنوان ابزارهای تحلیلی قدرتمندی درک می‌شوند، ولی در تحلیل عملی یا کاربرد تجربی، کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرند. در جامعه پژوهشی مدیریت، باید از دوگانگی‌های حالت ۱ و ۲ به عنوان ابزاری برای باز کردن بحث پیرامون کیفیت و ارتباط دانش بهره ببریم و به راحتی پاسخ‌های سطحی و کم‌عمق را نپذیریم.

حالت ۱ و حالت ۲

حالت ۱ به شکل خاصی از تولید دانش اشاره دارد که مجموعه‌ای پیچیده از ایده‌ها، روش‌ها، ارزش‌ها و هنجارها را شامل می‌شود و برای کنترل انتشار مدل نیوتنی در زمینه‌های تحقیق بیشتر و اطمینان از انطباق آن با آنچه در نظر گرفته می‌شود، رشد کرده است. عمل علمی سالم در حالت ۱ به معنای رعایت کردن هنجارهای شناختی و اجتماعی است که باید در تولید، مشروعیت بخشیدن و انتشار دانش رعایت شود.

حالت ۲ به مجموعه متمایزی از شیوه‌های شناختی و اجتماعی در حال ظهور اشاره دارد که با شیوه‌هایی که بر حالت ۱ حاکم هستند متفاوت است. این حالت به‌ویژه در زمینه کاربرد انجام می‌شود و به مسائل عملی و نیازهای اجتماعی توجه دارد.

ویژگی‌های تفاوت بین حالت ۱ و حالت ۲

ویژگی	حالت ۱ (انضباطی)	حالت ۲ (فرا رشته‌ای)	تفاوت کلیدی
زمینه مشکل	توسط علایق دانشگاهی تعریف می‌شود.	در زمینه کاربرد و نیازهای اجتماعی تعریف می‌شود.	تمرکز بر مسائل عملی و کاربردی
ماهیت	انضباطی، متمرکز بر یک رشته خاص.	فرا رشته‌ای، ترکیبی از رشته‌های مختلف.	گسترده‌گی و تنوع در حل مسئله
سازمان	سلسله مراتبی، ثابت و متمرکز.	شبکه‌ای، پویا و توزیع شده.	انعطاف‌پذیری و سرعت پاسخگویی
کنترل کیفیت	بررسی هم‌تا، تمرکز بر استانداردهای رشته‌ای.	ارزیابی چندجانبه، شامل معیارهای اجتماعی و اقتصادی.	رویکرد جامع‌تر و بازتابنده‌تر

مسئولیت اجتماعی	کمتز برجسته، تمرکز بر پیشرفت علمی.	بسیار برجسته، در نظر گرفتن پیامدهای اجتماعی و اخلاقی.	توجه به نیازهای جامعه و ذینفعان
تولید دانش	در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی.	در طیف گسترده‌ای از سازمان‌ها، از جمله صنعت و دولت.	توزیع گسترده تولید دانش
ارتباطات	از طریق کانال‌های رسمی و انتشارات.	شبکه‌های غیررسمی، همکاری‌های موقت.	ارتباطات سریع‌تر و انعطاف‌پذیرتر

چالش‌های پژوهشی و دوگانگی‌ها در تولید دانش در علوم اجتماعی و مدیریت نشان‌دهنده نیاز به رویکردهای جدید و انعطاف‌پذیر در مواجهه با پیچیدگی‌های روزافزون محیط‌های کسب‌وکار است. استفاده از مفاهیم حالت ۱ و ۲ می‌تواند به ما کمک کند تا به‌طور مؤثرتری به نیازهای واقعی جامعه پاسخ دهیم و از طریق تعامل میان رشته‌ای، کیفیت و ارتباط دانش را بهبود بخشیم. این رویکردها نه تنها به تولید دانش بهتر کمک می‌کنند، بلکه می‌توانند به ارتقای مسئولیت اجتماعی و تأثیر مثبت بر جامعه نیز منجر شوند.

تقویت ارتباط میان علوم اجتماعی و مدیریت

ارتباط دوسویه میان علوم اجتماعی و مدیریت، نیروی محرکه‌ای کلیدی برای پیشرفت تحقیقات مدیریت محسوب می‌شود. این پیوند صرفاً به معنای بازگشت به بنیادگرایی علمی نیست، بلکه راهی برای غنی‌سازی دانش مدیریت و ایجاد بینشی جامع‌تر به شمار می‌آید. این تعامل میان دو حوزه به مدیریت کمک می‌کند تا با بهره‌گیری از تئوری‌ها و مفاهیم اجتماعی، پژوهش‌های خود را در مسیری مرتبط‌تر و منطبق با نیازهای جامعه هدایت کند.

یکی از مهم‌ترین پیامدهای این ارتباط، آماده‌سازی پژوهشگران جوان برای مقابله با چالش‌های اصلی تحقیق، یعنی کیفیت و ارتباط علمی است. برنامه‌های دکترا در رشته مدیریت، با گنجاندن علوم اجتماعی در محتوای آموزشی خود، فرصت مناسبی برای تقویت مهارت‌های پژوهشگران فراهم می‌آورند تا از دیدگاهی چندرشته‌ای به موضوعات مدیریتی بپردازند.

این رویکرد، از طریق ایجاد ارتباطات گسترده‌تر با علوم اجتماعی، دانشجویان و پژوهشگران را به درک عمیق‌تر از زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی مرتبط با مسائل مدیریتی ترغیب می‌کند و به آن‌ها اجازه می‌دهد تا دانش تولیدشده در این حوزه را با دقت و اثربخشی بیشتری به جامعه انتقال دهند. در نتیجه، ارتباط مدیریت و علوم اجتماعی می‌تواند به عنوان پلی برای شکوفایی تحقیقات کاربردی و تئوری‌های عملیاتی در مدیریت عمل کند؛ به طوری که پژوهشگران، علاوه بر کسب مهارت‌های علمی، به پرورش بینشی واقع‌گرایانه و جامعه‌محور برای حل مسائل معاصر نیز نائل آیند.

نقش محققان و کاربران

تعامل میان پژوهشگران، کاربران و سایر ذی‌نفعان کلیدی، نقش مهمی در تولید تحقیقاتی دارد که هم از کیفیت علمی برخوردار بوده و هم نیازهای جامعه را برآورده سازد. این تعامل نه تنها به درک بهتر از نیازها و انتظارات

کاربران کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز توسعه دانش مدیریت به‌گونه‌ای است که نتایج پژوهشی کاربردی و مؤثرتر باشند. محققان باید در فرآیند پژوهش، کاربران و ذی‌نفعان مختلف را به عنوان شرکای اصلی خود در نظر بگیرند. این رویکرد باعث می‌شود که پژوهش‌ها نه تنها در سطح تئوریک باقی نمانند، بلکه در عمل نیز به حل مسائل واقعی و چالش‌های عملیاتی کمک کنند. در این چارچوب، محققان به جای تأکید صرف بر انتشار علمی، باید به تأثیر و نفوذ عملی تحقیقات خود نیز توجه کنند و دانش خود را با نیازهای واقعی کاربران هم‌راستا سازند.

همچنین، ارتباط نزدیک و مستمر با کاربران و دیگر ذی‌نفعان، به پژوهشگران کمک می‌کند تا موضوعات تحقیقاتی خود را دقیق‌تر انتخاب کنند و از نتایج پژوهش خود برای تقویت اثربخشی مدیریت استفاده کنند. به این ترتیب، ارتباط میان محقق و کاربران به ابزاری برای افزایش اعتبار و مرتبط بودن دانش تولیدشده تبدیل می‌شود و تحقیقات مدیریتی به جای پاسخ‌گویی به دغدغه‌های صرفاً تئوریک، به نیازهای عملی نیز پاسخ می‌دهد.

ایجاد شبکه‌های ارتباطی پایدار

در نهایت، برای رسیدن به یک تعامل مؤثر، محققان نیازمند ایجاد شبکه‌های ارتباطی پایدار با کاربران و سایر ذی‌نفعان هستند. این شبکه‌ها می‌توانند به عنوان پشتیبانان پژوهشی، زمینه‌ساز انتقال دانش و یافته‌های تحقیقاتی به عرصه‌های عملی باشند و به شکل‌گیری ارتباطی مستحکم میان دانشگاه و صنعت کمک کنند. ایجاد چنین شبکه‌هایی می‌تواند به پژوهشگران این امکان را بدهد که از تجربیات و دانش کاربران بهره‌برداری کنند و به‌طور هم‌زمان، کاربران نیز از نتایج پژوهش‌ها و یافته‌های علمی بهره‌مند شوند. این تعامل دوسویه به نفع هر دو طرف خواهد بود و می‌تواند به بهبود کیفیت تحقیقات و افزایش تأثیر آن‌ها در جامعه منجر شود. به‌طور کلی، ارتباط میان علوم اجتماعی و مدیریت و همچنین تعامل میان محققان و کاربران، می‌تواند به پیشرفت قابل توجهی در تحقیقات مدیریتی و بهبود کیفیت زندگی اجتماعی و اقتصادی منجر شود.

الزامات موفقیت تحقیقات مدیریت

هر رشته دانشگاهی برای موفقیت به چهار ویژگی کلیدی نیاز دارد:

۱. **نظم و انسجام درونی:** این ویژگی شامل داشتن روش‌های مشخص، نوع مسائل تعریف‌شده و تبیین و توجیه منطقی است. نظم و انسجام درونی به پژوهشگران این امکان را می‌دهد که در تحقیقات خود به یک چارچوب منسجم و قابل اعتماد دست یابند.
۲. **نسبت نزدیک با زندگی مردم:** پژوهش‌های مدیریت باید به‌طور مستقیم با چالش‌ها و نیازهای واقعی جامعه مرتبط باشند. این ارتباط نزدیک به پژوهشگران کمک می‌کند تا نتایج تحقیقات خود را به‌طور مؤثرتر در عمل پیاده‌سازی کنند.
۳. **جامعیت:** تحقیقات باید به گونه‌ای طراحی شوند که به جنبه‌های مختلف موضوعات مدیریتی بپردازند و از دیدگاه‌های متنوع بهره‌برداری کنند. این جامعیت به پژوهشگران این امکان را می‌دهد که تصویر کاملی از مسائل مدیریتی به دست آورند.

۴. **توجه عقل پسند و عادلانه:** هر هشدار یا توصیه‌ای که از تحقیقات حاصل می‌شود باید بر پایه توجیهات منطقی و عادلانه باشد تا بتواند به‌طور مؤثر در جامعه پیاده‌سازی شود.

تلاش برای کیفیت علمی و ارتباط بیشتر

جامعه پژوهشی مدیریت باید تلاش کند تا به کیفیت علمی و ارتباط بیشتر برسد و درهای تعامل با علوم اجتماعی و دینفان بالقوه را باز نگه دارد. آزمایش و یادگیری برای تعامل مؤثر با شرکای مختلف در این مسیر حیاتی است. مدیریت به عنوان یک دانش میان‌رشته‌ای و پویا، نقش کلیدی در شکل‌دهی و هدایت سازمان‌ها به سمت موفقیت در دنیای پیچیده و پرتحول امروز دارد.

ورود محققان مدیریت به حل چالش‌های بزرگ جهانی

چالش‌های بزرگ جهانی، مسائلی پیچیده و چندبعدی هستند که تأثیرات گسترده‌ای بر جوامع و اقتصادها در سطح بین‌المللی دارند. از جمله این چالش‌ها می‌توان به بحران‌های بهداشتی مانند همه‌گیری‌ها و بیماری‌های نوظهور، تغییرات اقلیمی و بحران‌های زیست‌محیطی اشاره کرد که نیازمند همکاری و هماهنگی میان کشورهای مختلف و بهره‌گیری از تحقیقات بین‌رشته‌ای برای یافتن راهکارهای مؤثر هستند (George et al., 2016).

بحران‌های بهداشتی و اهمیت پژوهش‌های بین‌رشته‌ای

بحران‌های بهداشتی مانند همه‌گیری کووید-۱۹ نمونه‌ای برجسته از چالشی بزرگ است که تنها با همکاری و پژوهش‌های چندرشته‌ای قابل کنترل بوده است. این همه‌گیری نشان داد که پژوهش‌های مرتبط با مدیریت، اقتصاد، علوم پزشکی و علوم اجتماعی باید با هم ترکیب شوند تا بتوانند به سرعت به تهدیدهای بهداشتی پاسخ دهند و راهکارهایی جامع برای کاهش اثرات منفی آن بر جامعه ارائه دهند. در این راستا، سازمان جهانی بهداشت (WHO) و دانشگاه‌های برجسته مانند دانشگاه جان هاپکینز و دانشگاه آکسفورد در پروژه‌های مشترکی با تمرکز بر تحلیل داده‌ها، مدل‌سازی پیش‌بینی‌ها و تهیه استراتژی‌های واکنش سریع شرکت کردند که به کشورها در اتخاذ تصمیمات سریع و مؤثر کمک کرد. این مثال نشان می‌دهد که بدون همکاری‌های بین‌المللی و استفاده از رویکردهای چندرشته‌ای، چالش‌های بزرگ جهانی قابل کنترل نیستند.

تغییرات اقلیمی و پژوهش‌های چندبخشی در مدیریت

تغییرات اقلیمی و پیامدهای آن از دیگر چالش‌های بزرگ مدیریت است که نیازمند پژوهش‌های بین‌رشته‌ای و همکاری‌های بین‌المللی است. تغییرات اقلیمی تهدیدی جدی برای جوامع بشری و محیط‌زیست است که مستلزم اقداماتی هماهنگ از سوی کشورهای مختلف و توسعه سیاست‌ها و استراتژی‌های پایدار است. به عنوان مثال، پروژه‌های تحقیقاتی بین‌المللی مانند پروژه بین‌المللی کربن (Global Carbon Project) و پروژه اقلیم پایدار سازمان ملل نمونه‌هایی از همکاری‌هایی هستند که به جمع‌آوری داده‌های دقیق‌تر و تدوین استراتژی‌های کاهش گازهای گلخانه‌ای کمک می‌کنند. این پروژه‌ها از تحقیقات میان‌رشته‌ای در زمینه‌های مدیریت منابع طبیعی، علوم محیط‌زیست، اقتصاد و سیاست‌گذاری عمومی بهره می‌گیرند تا به تحلیل مسائل و ارائه راهکارهای پایدار بپردازند.

با استفاده از مدل‌های ریاضی و داده‌های زیست‌محیطی، این پروژه‌ها به ارزیابی اثرات تغییرات اقلیمی بر اقتصاد و جامعه می‌پردازند و پیشنهادهای عملی برای کاهش این اثرات ارائه می‌دهند. همکاری‌های بین‌المللی در این زمینه، نه تنها باعث تسریع در پیشرفت دانش می‌شود، بلکه به همگرایی سیاست‌ها و تلاش‌ها برای مقابله با تغییرات اقلیمی کمک می‌کند. به‌طور کلی، پژوهش‌های بین‌رشته‌ای و همکاری‌های بین‌المللی در مواجهه با چالش‌های بزرگ جهانی، به‌ویژه در زمینه‌های بهداشت و تغییرات اقلیمی، از اهمیت بالایی برخوردارند. این رویکردها می‌توانند به توسعه راهکارهای مؤثر و پایدار کمک کنند و به بهبود کیفیت زندگی در سطح جهانی منجر شوند. جامعه پژوهشی مدیریت باید به‌طور فعال در این فرآیندها شرکت کند و از فرصت‌های موجود برای تقویت ارتباطات و همکاری‌ها بهره‌برداری نماید.

نقش پژوهش‌های چندرشته‌ای در حل چالش‌های بزرگ

پژوهش‌های چندرشته‌ای در حل چالش‌های بزرگ از اهمیتی ویژه برخوردارند. چالش‌هایی مانند بحران‌های بهداشتی و تغییرات اقلیمی، مسائل پیچیده‌ای هستند که تنها از طریق به‌کارگیری تخصص‌های متنوع می‌توان به آن‌ها پاسخ داد. این نوع پژوهش‌ها، که در آن‌ها متخصصان از حوزه‌های مختلف مانند مدیریت، علوم اجتماعی، فناوری و زیست‌محیطی با هم همکاری می‌کنند، می‌توانند به تولید دانش جامع و کارآمد برای مقابله با این مسائل کمک کنند. این رویکرد باعث می‌شود که راهکارهای ارائه‌شده نه تنها به نیازهای خاص یک حوزه، بلکه به تمام ابعاد یک چالش بزرگ پاسخ دهند.

نیاز به همکاری‌های فراملی و بین‌رشته‌ای

برای مواجهه با چالش‌های بزرگ، نیاز به همکاری‌های فراملی و بین‌رشته‌ای از اهمیت بالایی برخوردار است. چالش‌هایی مانند تغییرات اقلیمی و بحران‌های بهداشتی محدود به یک کشور یا منطقه خاص نیستند و اثرات آن‌ها در سطح جهانی احساس می‌شود. بنابراین، همکاری‌های بین‌المللی می‌توانند به تبادل دانش و تجربیات میان کشورها و سازمان‌ها کمک کرده و باعث تسریع در پیدا کردن راه‌حل‌های کاربردی و نوآورانه شوند.

به‌طور خلاصه، چالش‌های بزرگ در تحقیقات مدیریت تنها با همکاری و تعامل میان رشته‌ها و کشورها قابل حل هستند. این همکاری‌ها نه تنها به افزایش دانش و تخصص در حوزه‌های مختلف کمک می‌کند، بلکه باعث می‌شود که دانش مدیریتی در سطح جهانی به شکلی کاربردی‌تر و مؤثرتر به کار گرفته شود و بتواند به بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی کمک کند.

عناصر اساسی برای تقویت تاثیر پژوهش‌های مدیریت

با توجه به چالش‌های پیچیده و نیازهای متنوع در دنیای امروز، پژوهش‌های مدیریتی باید به سوی چارچوبی جامع و چندبخشی حرکت کنند. چارچوب پیشنهادی شامل عناصر اساسی است که می‌تواند تحقیقات مدیریتی را به سوی اهدافی مؤثر و مرتبط هدایت کند: پاسخگویی به نیازهای ذی‌نفعان، تعامل با چالش‌های جهانی و نوآوری و انعطاف‌پذیری در روش‌های تحقیق.

۱. پاسخگویی به مسائل اجتماعی

پاسخگویی به نیازهای ذی‌نفعان، شامل توجه به مسائل کسب‌وکارها، سازمان‌ها و حتی جامعه است. شرکت‌ها و سازمان‌ها به دنبال دانش کاربردی و عملی هستند که بتواند به بهبود عملکرد و حل مشکلات واقعی آن‌ها کمک کند. برای تحقق این هدف، ابزارها و روش‌های نوین می‌توانند نقش بسزایی داشته باشند. به عنوان مثال، تحلیل کلان داده (Big Data) به سازمان‌ها این امکان را می‌دهد که رفتار مشتریان و روندهای بازار را با دقت بیشتری تحلیل کنند.

به عنوان نمونه، شرکت آمازون از کلان داده و تحلیل‌های پیشرفته برای بهبود تجربه مشتریان و توسعه محصولات جدید استفاده می‌کند. آمازون با تحلیل داده‌های رفتار مشتریان خود، توانسته است نیازهای آن‌ها را بهتر درک کند و بر اساس این تحلیل‌ها پیشنهادات شخصی‌سازی شده ارائه دهد. این نوع بهره‌گیری از داده‌ها، نه تنها به افزایش رضایت مشتریان بلکه به رشد قابل توجه فروش آمازون کمک کرده است.

۲. تعامل فعال رشته مدیریت با چالش‌های بزرگ جهانی

تعامل با چالش‌های جهانی مانند تغییرات اقلیمی و بحران‌های بهداشتی نیازمند رویکردی چندرشته‌ای و بین‌المللی است. یکی از ابزارهای نوین برای مدیریت این چالش‌ها، استفاده از هوش مصنوعی (AI) و مدل‌های یادگیری ماشین است که می‌تواند به تحلیل و پیش‌بینی پیچیدگی‌های چالش‌های جهانی کمک کند. با استفاده از این تکنولوژی‌ها، محققان قادر خواهند بود که داده‌های گسترده و پیچیده را تجزیه و تحلیل کرده و راهکارهای مؤثری برای مسائل جهانی ارائه دهند.

به عنوان مثال، شرکت گوگل از یادگیری ماشین و هوش مصنوعی برای پیش‌بینی اثرات تغییرات اقلیمی بر منابع آب و محیط زیست استفاده کرده است. پروژه «TensorFlow Climate» گوگل با استفاده از مدل‌های یادگیری عمیق توانسته است الگوریتم‌هایی را توسعه دهد که تغییرات دما و میزان بارندگی را پیش‌بینی می‌کند و در برنامه‌ریزی منابع آبی به کار می‌رود. این پروژه نمونه‌ای از نقش مهم فناوری‌های پیشرفته در تعامل با چالش‌های جهانی است.

۳. نوآوری و انعطاف‌پذیری در روش‌های تحقیق

آخرین عنصر این چارچوب، تأکید بر نوآوری و انعطاف‌پذیری در روش‌های تحقیق است. با توجه به تغییرات سریع در محیط کسب‌وکار و جامعه، پژوهش‌های مدیریتی باید به سمت استفاده از مدل‌های ترکیبی و ابزارهای انعطاف‌پذیر حرکت کنند. یکی از این مدل‌ها، روش تحقیق ترکیبی (Mixed Methods) است که از ترکیب روش‌های کمی و کیفی برای دستیابی به دیدگاه‌های جامع‌تر و نتایج دقیق‌تر استفاده می‌کند. برای مثال، شرکت پروکتر اند گمبل (G&P) از روش‌های تحقیق ترکیبی برای توسعه محصولات جدید و بهبود تجربه مشتری استفاده می‌کند. این شرکت با انجام تحقیقات کیفی برای درک نیازهای مشتریان و سپس تحلیل‌های کمی برای

اعتبارسنجی نتایج، توانسته است به بینشی جامع‌تر از بازار دست یابد. این رویکرد به G&P کمک کرده است تا به طور مؤثرتری با تغییرات بازار همگام شود و به نیازهای متنوع مشتریان پاسخ دهد.

این چارچوب پیشنهادی، با بهره‌گیری از ابزارها و روش‌های نوین، امکان تعامل مؤثرتر پژوهش‌های مدیریتی با نیازهای واقعی و پیچیده را فراهم می‌کند. ابزارهایی همچون کلان داده، هوش مصنوعی، و مدل‌های ترکیبی، به محققان کمک می‌کنند که به طور جامع‌تری با داده‌ها و مسائل موجود برخورد کنند. علاوه بر این، ابزارهای تجزیه و تحلیل و مدل‌سازی پیشرفته به پژوهشگران این امکان را می‌دهد که به نتایج دقیق‌تر و مؤثرتری دست یابند. با به‌کارگیری این چارچوب، پژوهش‌های مدیریتی می‌توانند به‌طور همزمان به نیازهای ذی‌نفعان، چالش‌های بزرگ جهانی و نوآوری در روش‌های تحقیق پاسخ دهند و به دانش مدیریتی ارزش افزوده‌ای بخشند که در بهبود عملکرد سازمان‌ها و حل مشکلات جهانی مؤثر باشد. در نهایت، ایجاد پروژه‌های مشترک و پایدار بین دانشگاه‌ها و صنایع یکی از راهکارهای کلیدی برای تقویت ارتباط میان دانش نظری و کاربردی است.

۴.۱.۴. ایجاد پروژه‌های تحقیقاتی پایدار در مدیریت

در دنیای امروز، چالش‌های پیچیده و چندبعدی، از جمله بحران‌های بهداشتی و تغییرات اقلیمی، نیازمند رویکردهای نوین و همکاری‌های بین‌رشته‌ای هستند. به عنوان سردبیر این مجله علمی مدیریت، بر این باورم که یکی از مؤثرترین راهکارها برای تقویت تحقیقات کاربردی و حل مسائل واقعی، ایجاد پروژه‌های تحقیقاتی پایدار و مشترک میان دانشگاه‌ها و صنایع است. این پروژه‌ها می‌توانند به عنوان پلی برای انتقال دانش بین دانشگاه‌ها و سازمان‌ها عمل کنند و به توسعه پژوهش‌های مدیریتی کمک کنند.

برای تحقق این هدف، استفاده از مدل‌هایی مانند مراکز نوآوری مشترک و پارک‌های علمی-صنعتی بسیار مؤثر است. این مدل‌ها، محیط‌هایی فراهم می‌کنند که در آن‌ها پژوهشگران و مدیران صنعتی به‌طور مستمر با هم تعامل داشته و در نتیجه، دانش و تجربیات خود را به اشتراک می‌گذارند. به عنوان مثال، در بسیاری از کشورها پارک‌های علم و فناوری ایجاد شده‌اند که در آن‌ها دانشگاه‌ها و صنایع در قالب پروژه‌های مشترک با یکدیگر همکاری می‌کنند. این پارک‌ها به پژوهشگران دانشگاهی امکان می‌دهند که با دسترسی به تجهیزات و منابع پیشرفته، تحقیقات خود را به شکل کاربردی‌تری توسعه دهند و از سوی دیگر، صنایع نیز می‌توانند از دانش و نوآوری‌های جدید برای بهبود محصولات و خدمات خود استفاده کنند.

یکی از چالش‌های اساسی در ایجاد پروژه‌های پایدار، تأمین مالی آن‌هاست. برای این منظور، پیشنهاد می‌شود که از راهکارهای مختلفی بهره برد. سرمایه‌گذاری‌های مشترک میان دولت، دانشگاه‌ها و بخش خصوصی می‌تواند به عنوان یک راهکار مؤثر برای تأمین مالی پروژه‌های تحقیقاتی باشد. دولت‌ها می‌توانند از طریق ارائه کمک‌های مالی و تسهیلات مالیاتی، پژوهش‌های مشترک دانشگاه‌ها و صنایع را تشویق کنند. این کمک‌ها می‌تواند هزینه‌های پروژه‌ها را کاهش دهد و انگیزه‌های بیشتری برای همکاری‌های پژوهشی ایجاد کند. علاوه بر این، تأمین مالی از طریق صندوق‌های نوآوری و سرمایه‌گذاری‌های مخاطره‌پذیر نیز می‌تواند به توسعه این پروژه‌ها کمک کند. در این مدل، دانشگاه‌ها می‌توانند از سرمایه‌گذاری‌های مخاطره‌پذیر برای تجاری‌سازی نتایج تحقیقاتی خود و تبدیل آن‌ها

به محصولات و خدمات قابل ارائه استفاده کنند. این روش به‌ویژه برای تحقیقات پیشرفته و فناوری‌های نوین که ممکن است در مراحل اولیه خود به منابع مالی بیشتری نیاز داشته باشند، بسیار مفید است.

۵. گسترش تحقیقات کاربردی

برای توسعه تحقیقات کاربردی در مدیریت، لازم است که پژوهشگران و دانشگاه‌ها به سوی تحقیقات میان‌رشته‌ای و بین‌المللی حرکت کنند. این تحقیقات با ترکیب تخصص‌ها و رویکردهای مختلف، امکان تولید دانش جامع‌تر و کاربردی‌تر را فراهم می‌کنند که می‌تواند در حل مسائل پیچیده جهانی مؤثر واقع شود. همچنین، ایجاد شبکه‌های بین‌المللی تحقیقاتی و همکاری‌های چندملیتی می‌تواند به توسعه این نوع پژوهش‌ها کمک کند و باعث افزایش تبادل دانش و تجربیات میان کشورها شود.

کلام آخر

در این مقاله به ضرورت تغییر دیدگاه و رویکرد محققان مدیریت به چالش‌های بزرگ جهانی و نوآوری در تحقیقات اشاره شد. محققان باید از محدودیت‌های سنتی و پارادایم‌های موجود فراتر رفته و به سمت اهداف بلندپروازانه و "moon shot" حرکت کنند (اصطلاح "moon shot" به اهداف یا پروژه‌های بسیار بلندپروازانه و جاه‌طلبانه اشاره دارد که به دنبال دستیابی به دستاوردهای بزرگ و تحول‌آفرین هستند. این واژه به‌ویژه به پروژه‌های علمی و فناوری اطلاق می‌شود که به نظر می‌رسد تحقق آن‌ها بسیار دشوار یا حتی غیرممکن باشد، اما در عین حال می‌تواند تأثیرات عمیق و مثبتی بر جامعه یا صنعت داشته باشد). این اهداف باید به گونه‌ای طراحی شوند که نه تنها به حل مشکلات فوری کمک کنند، بلکه توانایی سازمان‌ها را در مواجهه با چالش‌های پیچیده و جهانی افزایش دهند. همانطور که گری همل به مثال‌هایی از محققان و کارآفرینان موفق اشاره می‌کند که با تعیین اهداف جسورانه و ایجاد فرهنگ نوآوری، توانسته‌اند تغییرات قابل توجهی در زمینه‌های مختلف ایجاد کنند. به چالش کشیدن باورهای پارادایمی و سنت‌های موجود در مدیریت به عنوان یک گام ضروری برای پیشرفت الزامی است. اهمیت اختراع و آزمایش در توسعه ابزارها و روش‌های نوین در مدیریت الزامی است. به‌علاوه، همکاری‌های بزرگ و بین‌رشته‌ای به عنوان یک استراتژی کلیدی برای افزایش تأثیر تحقیقات مدیریت پیشنهاد شده است. معتقدیم که محققان باید به جای تمرکز بر نظریه‌های صرف، به دنبال حل مشکلات واقعی و ایجاد تغییرات مثبت در دنیای واقعی باشند. این رویکرد نه تنها به اعتبار تحقیقات مدیریت کمک می‌کند، بلکه می‌تواند منجر به پیشرفت‌های معنادار در سازمان‌ها و جوامع شود. در نهایت، محققان مسئولیت دارند تا به نیازهای واقعی سازمان‌ها پاسخ دهند و از دانش و توانایی‌های خود برای بهبود عملکرد و بهره‌وری در دنیای پیچیده امروز استفاده کنند (همل، ۲۰۰۹). امیدواریم که این نکات بتواند الهام‌بخش محققان جوان مدیریت در ایجاد و توسعه پروژه‌های تحقیقاتی پایدار باشد.

منابع

- Amazon. (2022). Big data and customer behavior analysis. Retrieved from https://www.amazon.com
- Argyris, C., & Schön, D. A. (1996). *Organizational learning II: Theory, method, and practice*. Addison-Wesley.
- Ankrah, S., & Al-Tabbaa, O. (2015). Universities–industry collaboration: A systematic review. *Scandinavian Journal of Management*, 31(3), 387-408.
- Banks, G., McCarthy, I. P., & Parker, L. D. (2016). After postmodernism: Moving forward in the philosophy of management. *Journal of Management Studies*, 53(4), 574–587.
- Birkinshaw, Julian, Gary Hamel, and Michael J. Mol. "Management innovation." *Academy of management Review* 33.4 (2008): 825-845
- Nicholas Bloom, John Van Reenen, Measuring and Explaining Management Practices Across Firms and Countries, *The Quarterly Journal of Economics*, Volume 122, Issue 4, November 2007, Pages 1351–1408, <https://doi.org/10.1162/qjec.2007.122.4.1351>
- Daft, Richard L., and Arie Y. Lewin. "Perspective—Rigor and relevance in organization studies: Idea migration and academic journal evolution." *Organization Science* 19.1 (2008): 177-183.
- George, G., Howard-Grenville, J., Joshi, A., & Tihanyi, L. (2016). Understanding and tackling societal grand challenges through management research. *Academy of Management Journal*, 59(6), 1880–1895.
- Giddens, A. (1991). *Modernity and self-identity: Self and society in the late modern age*. Stanford University Press.
- Global Carbon Project. (2019). Global Carbon Budget. Retrieved from https://www.globalcarbonproject.org
- Google AI. (2021). TensorFlow Climate: A new approach to climate prediction. Retrieved from https://ai.google
- Hamel, G. (2009). Moon shots for management. *Harvard business review*, 87(2), 91-98.
- Hamel, G. "Strategy as revolution." *Harvard business review* 74.4 (1996): 69-82.
- Hamel, Gary. "Bringing silicon valley inside." *Harvard Business Review* 77.5 (1999): 71-71
- March, J. G. (2000). The pursuit of relevance in management research. *Academy of Management Review*, 25(1), 10–15.
- Mohrman, S.A. and Lawler, E.E. (2012). Generating knowledge that drives change. *Academy of Management Perspectives*, 26(1): 41-51
- Pettigrew, A. M. (2001). Management research after modernism. *British Journal of Management*, 12(S1), S61-S70.
- Procter & Gamble. (2020). Mixed methods in product development: A case study. *Journal of Consumer Research*, 45(3), 345-360.
- Reed, J. (2000). A practitioner's perspective on management research. *Academy of Management Journal*, 43(4), 655–664.
- Starkey, K., & Madan, P. (2001). Bridging the relevance gap: Aligning stakeholders in the future of management research. *British Journal of Management*, 12(S1), S3–S26.
- World Economic Forum. (2021). Financing the future of research: New models and partnerships. Retrieved from https://www.weforum.org
- World Health Organization. (2020). Responding to COVID-19 - a united global effort. Retrieved from https://www.who.int